علی حسن پور / ایران

کتاب خاطرات علیرضا افشار در مؤسسه ایران رونمایی شد

رضایی: «همیشه جهادگر» دوربینی برای دیدن جامعه در دوران دفاع مقدس است

این کتاب نتیجه ۹ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای مصاحبه در تیر و مرداد، سه جلسه تکمیلی ۱۰۰ دقیقه‌ای در دی ماه و خرده‌مصاحبه‌هایی دیگر با راوی تا زمان اتمام تدوین است. قالب تدوین خاطرات با مشورت‌های به عمل آمده و نحوه بیان راوی، موضوعی و در سیر زمانی است. البته بسیاری از خاطرات از نظر زمانی در یک بازه بودند اما از آنجا که تقسیم‌بندی فصل‌ها بر اساس مسئولیت‌های راوی بوده، تا حدی مجبور به چشم‌پوشی از تقدم و تأخر خاطرات شدیم. در انتها از خانم زینب رحیمی بابت بازنویسی متن متشکرم

فرهنگی

محسن رضایی فرمانده اسبق سپاه گفت: این کتاب دوربینی است برای دیدن جامعه در آن زمان. داستان‌های نسل اول قصه واقعی است و برای انتقال به نسل‌های بعد درس‌های فراوانی دارد و قابل استفاده است.

به گزارش «ایران»، مراسم رونمایی از کتاب «همیشه جهادگر» شنبه ۱۷ تیر با حضور سردار علیرضا افشار از مسئولان وقت جهاد سازندگی و از فرماندهان سپاه و راوی کتاب و محسن رضایی رئیس دبیرخانه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و فرمانده وقت سپاه پاسداران، سردار سرتیپ پاسدار رضا طلایی‌نیک سخنگوی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و جمعی دیگر از مسئولین کشوری و لشکری در سالن جلسات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران برگزار شد.

در ابتدای برنامه سید حسین حسینی پژوهشگر و تدوینگر کتاب درباره اهمیت پرداختن به مقوله تاریخ شفاهی گفت: به نظر بنده زبان گویای انقلاب اسلامی که امروز در حال دفاع از آرمان‌های آن است، تاریخ شفاهی است. در جنگ روایت‌ها هر جایی که نیاز بوده از کیان این نظام دفاع شود، تاریخ شفاهی قد علم کرده و روایت صحیح و واقعی را ارائه کرده است و بسته به نیاز، خود را در قالب‌های مختلفی به نمایش گذاشته است.

وی افزود: از موضوعات مهم و تأثیرگذار در تداوم انقلاب اسلامی که اتفاقاً توسط بسیاری از فعالان تاریخ شفاهی، حداقل تا همین اواخر مغفول مانده، جهاد سازندگی و پرداختن به زوایای مختلف آن است. جهاد سازندگی، حرکتی است که کاملاً مردمی و داوطلبانه شکل گرفت و به گفته راوی عزیز سردار افشار: «طعم شیرین انقلاب را به روستاییان و مردم مناطق محروم چشاند». با پیگیری‌های فراوان لیستی از اعضای اصلی و اولیه جهاد سازندگی را به دست آوردیم. نام اول این لیست ۵۰ نفره، «سردار علیرضا افشار» از مؤسسین و عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی بود.

حسینی در خصوص فضای ارتباط گیری و شکل گیری مصاحبه‌های کتاب تأکید کرد: با ناامیدی (به خاطر تجربه‌های ناموفق ارتباط‌گیری با جوانان نسل اولی انقلاب) با او تماس گرفتیم و در همان اولین تماس از تعیین قرار ملاقات و تکرار نشدن تجارب قبلی، مشعوف شدیم. صفتی که در اولین برخورد با ظاهرآرام، ساده و خاکی و برخورد خوبش، در ذهن‌مان تداعی کرد، این بود: فرزند خمینی. در همان جلسه اول، اعتماد و صمیمیت شکل گرفته بین ما، همکاری برای جمع‌آوری و مدون کردن خاطرات ایشان را شکل داد.

وی ادامه داد: با مرور کلی خاطرات‌شان در همان جلسه، متوجه مسئولیت‌های مهمی غیر ازآنچه ما به خاطرش به سراغ‌شان رفته بودیم، شدیم. عضویت در شورای مرکزی دانشجویان پیرو خط امام(ره) در جریان تسخیر لانه جاسوسی امریکا و عضویت در شورای مرکزی جهاد سازندگی، سخنگویی در جهاد و سخنگویی در سپاه پاسداران، ریاست ستاد کل سپاه و فرماندهی نیروی مقاومت بسیج، معاونت سیاسی وزارت کشور در دولت نهم و معاونت فرهنگی و اجتماعی در دولت دهم و یازدهم و... با طرح سؤالات جزئی و بهره‌گیری از اسناد مربوطه در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، در یادآوری خاطرات تلاش کردیم.

پژوهشگر کتاب «همیشه جهادگر» خاطرنشان کرد: این کتاب نتیجه ۹ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای مصاحبه در تیر و مرداد، سه جلسه تکمیلی ۱۰۰ دقیقه‌ای در دی ماه و خرده‌مصاحبه‌هایی دیگر با راوی تا زمان اتمام تدوین

است. قالب تدوین خاطرات با مشورت‌های به عمل آمده و نحوه بیان راوی، موضوعی و در سیر زمانی است. البته بسیاری از خاطرات از نظر زمانی در یک بازه بودند اما از آنجا که تقسیم‌بندی فصل‌ها بر اساس مسئولیت‌های راوی بوده، تا حدی مجبور به چشم‌پوشی از تقدم و تأخر خاطرات شدیم. در انتها از خانم زینب رحیمی بابت بازنویسی متن متشکرم.

تاریخ باید مستند بیان شود

در ادامه برنامه، سردار علیرضا افشار راوی کتاب «همیشه جهادگر» با بیان اینکه رویدادها و حوادث امانتی است در نزد ما، اظهار داشت: رویدادها امانت‌هایی نزد ما هستند که باید به بهترین نحو منتقل شوند، البته باید از ریا دوری کرد تا در این ورطه نیفتیم. من سعی کردم از شواهد خودم بگویم تا مستندات تاریخی ثبت شود و تقریباً یک دور تاریخ انقلاب در این کتاب ذکر شده است.

وی افزود: این کتاب از سال‌های دانشجویی من در دانشگاه شریف (آریا مهر وقت) تا نهضت، ستاد استقبال دانشجویی، جهاد سازندگی و بعد هم فعالیت‌هایم در سپاه است. ما در این اثر یک نگاه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشتیم.

راوی کتاب «همیشه جهادگر» در ادامه درباره جلد دوم این مجموعه اظهار داشت: جلد اول به لحاظ زمانی از قبل انقلاب شروع شده و به فعالیت‌هایم در ستاد کل سپاه به پایان می‌رسد. جلد دوم درباره حضور من در وزارت کشور است.

وی در پایان تأکید کرد: بحث اصلی ما جلد دوم این مجموعه است، چرا که در آن از جریان تکنوکراسی و لیبرالیسم که خود را بر جریان‌های انقلاب غالب کردند و جریان خط سومی که منجر به انحلال حزب جمهوری اسلامی شد، می‌گویم. هدف دیگر این بوده که تاریخ را مستند بیان کنیم و مواردی را که شک داشتیم، بیان نکردیم. در جلد دوم سعی کرده‌ایم فعالیت‌های موفق را بیان کنیم.

امروز کار فرهنگی هم جهاد است

دکتر محسن رضایی رئیس دبیرخانه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا درباره اهمیت کار جهادی گفت: کار جهادی فقط به معنای جنگ و رویارویی نظامی نیست و امروز کار فرهنگی هم جهاد است. جهاد اقتصادی و کمک به معیشت مردم هم نوعی جهاد است و این‌گونه اقدامات هم اجر همان جهاد را دارد. همه انسان‌ها داستانی دارند و در این داستان هم خودشان مطرح هستند و هم جامعه و تاریخی که در آن هستند. قصه هر فرد فقط شامل زندگی و رویدادهای آن شخص نمی‌شود و قصه او بخشی از جامعه او و بخشی از تاریخ هم هست. تاریخ، جامعه و افراد آن جامعه دو روی یک سکه و غیرقابل تفکیک است.

رضایی با اشاره به ارزش فرهنگی و اجتماعی این‌گونه کتاب‌ها ادامه داد: این کتاب دوربینی است برای دیدن جامعه در آن زمان. داستان‌های نسل اول قصه واقعی است و برای انتقال به نسل‌های بعد درس‌های فراوانی دارد و قابل استفاده است.

وی با یادآوری دو رخداد بزرگ تاریخ معاصر ایران یعنی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس خاطرنشان کرد: یکی از نکات مهم این کتاب این است که آقای افشار جزو نسلی است که نوآوری بزرگی در ایران به وجود آورد و معجزه‌گر شد. مردم ایران معجزه انقلاب و معجزه دفاع مقدس را رقم زدند. ملت ایران با دست خالی جلوی بزرگ‌ترین قدرت نظامی و اطلاعاتی منطقه ایستاد، انقلاب کرد و آن را به ثمر نشاند و اولین معجزه را رقم زد. دومین معجزه مردم که در این کتاب هم می‌بینید دفاع مقدس است. امریکا مطمئن بود که ایران از رژیم صدام شکست می‌خورد، چرا که ایران ارتشی از هم پاشیده داشت، به علاوه نیروهای نظامی مهمات هم نداشتند، حتی برخی در سال اول جنگ گفتند جنگ ۲۰ سال طول می‌کشد اما در سال دوم جنگ ورق برگشت و معجزه مردم، معادلات جنگ را به هم زد.

دبیر شورای عالی سران قوا گفت: باید رمز این موفقیت و معجزه انقلاب و دفاع مقدس را تبیین کنید و حسن این کتاب‌ها کمک به رمزگشایی این معجزه‌هاست. آقای افشار از برادران جهادی بودند. ما در دفاع مقدس مدام در جامعه به دنبال انسان‌های مستعد بودیم و بسیاری از سرداران بزرگ جنگ همچون حسن باقری و آقای افشار را هم همینطور پیدا کردیم. در نهایت دعا می‌کنیم که داستان زندگی ما هم همچون شهدا همراه با عاقبت بخیری باشد.

در ادامه برنامه مراسم رونمایی نمادین و امضای لوح یادبود کتاب «همیشه جهادگر» با حضور دکتر محسن رضایی، سردار علیرضا افشار، سردار دقیقی، دکتر حسین علایی، سردار سرتیپ پاسدار رضا طلایی‌نیک انجام گرفت.

ناگفته‌های برنامه «صداتو» در گفت‌وگو با حامد جوادزاده، تهیه‌کننده و کارگردان

اقتضای بازار تماشا، توجه به چهره‌هاست

به عنوان یک کارشناس نه تهیه‌کننده برنامه، نمونه‌ای که ما ساختیم از نظر فنی ضعیف‌تر از نمونه امریکایی است اما از لحاظ محتوایی، سرگرمی و خروجی خیلی بهتر از نمونه فاکس امریکاست و می‌توانم جزء به جزء این موضوع را مقایسه کنم

گفت و گو

تربیت گوش موسیقایی عامه مردم شاید یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هنرمندان و فعالان عرصه موسیقی باشد. موضوعی که اهمیتی انکارنشدنی در انتخاب‌های مخاطبان گسترده موسیقی و به همین پشتوانه بر تولیدات و بازار آن دارد. مسابقه «صداتو» یکی از تولیدات فیلیمو است که این روزها در میان استقبال نسبتاً خوب مخاطبان، به طور ضمنی در حال پرورش دادن همین توانمندی در حد خودش است. با حامد جوادزاده، تهیه‌کننده این برنامه گفت‌وگو کردیم.

ابتدا با ایده «صداتو» شروع کنیم، اینکه اصلاً چه شد به این فضا رسیدید و اگر مشابه خارجی داشته، چطور آن را ایرانیزه کردید و به آنچه امروز می‌بینیم، رسیدید؟

این طرح از طرف فیلیمو به من ارجاع شد. به من گفتند که ما طرحی با این مضمون داریم که ابتدا اسم آن «می‌خونه، نمی‌خونه» بود و ایمان صفا آن را ارائه داده بود، منتها فیلیمو گفته بود که یک برنامه‌ساز باید آن را تولید کند و توافق اولیه با آقای صفا به این شکل بود که ایشان به عنوان ارائه دهنده طرح، مجری برنامه و من هم تهیه‌کننده آن باشم. در ادامه گفتند این طرح مشابه خارجی امریکایی دارد و از زمانی که قرار شد این برنامه را بسازیم، جویای جزئیات آن شدیم.

دریافتیم که این برنامه اساساً کره‌ای است و با طراحی مدیاگروهی به اسم cj media group شکل گرفته و به چندین کشور از جمله کره، آلمان، بی‌بی‌سی انگلستان و فاکس امریکا آن را فروخته‌اند. ما همه آنها را دیدیم و زیباترین اجرا را انتخاب کردیم. از سوی دیگر چون برنامه در دوران کرونا ضبط شده بود و نمی‌توانستند تماشاگر بیاورند، با گرافیک کامپیوتری، تماشاگر اضافه کرده و حس برنامه را درآورده بودند به همین دلیل وقتی آن را تماشا می‌کردید، بیشتر دوستش داشتید. در ادامه به فیلیمو گفتم که طرح آقای صفا آمیخته‌ای از این طرح‌هاست و اتفاق ویژه دیگری نمی‌شود از دل آن بیرون آورد. بعد هم پیشنهاد دادم که با توجه به اینکه از بین تمام موارد مشابه خارجی، نمونه امریکایی آن جذابیت بیشتری داشت، همان را می‌سازم. از آن استقبال کردند و قرار براین شد که از i can see your voice به قرائت و نمونه ایرانیزه شده آن برسیم. اسم برنامه هم در اتاق فکر از همین‌جا آمد چرا که i can see your voice یعنی می‌توانم صدایت را ببینم و ما هم این می‌توانم ببینم را برداشتیم و به «صداتو» رسیدیم.

چون صحبت از نمونه‌های دیگر برنامه شد، به نظر شما کدام یکی از آنها جذاب‌تر است؟ «صداتو» یا موارد دیگری که مورد پسند شما قرار گرفته بود؟

به عنوان یک کارشناس نه تهیه‌کننده برنامه، نمونه‌ای که ما ساختیم از نظر فنی ضعیف‌تر از نمونه امریکایی است اما از لحاظ محتوایی، سرگرمی و خروجی خیلی بهتر از نمونه فاکس امریکاست و می‌توانم جزء به جزء این موضوع را مقایسه کنم.

محسن کیایی از دکتر کندیانت خیلی بهتر است، در واقع اتمسفر برنامه ما خیلی گرم‌تر از نمونه‌های دیگر است ولی آنها تجهیزاتی داشتند که ما در ایران نداریم، نه اینکه بوده و استفاده نکردیم! بلکه بعضی تجهیزات درکل در کشور وجود ندارد. حتی خیلی از موارد فنی این برنامه برای اولین‌بار شکل گرفته و تجربه تازه‌ای در این حوزه محسوب می شود.

برویم سراغ ترکیب گروه «صداتو» از یاوران تا مجری، چه شد که به این انتخاب‌ها رسیدید؟

واقعیت این است که مصاحبه‌های زیادی برای رسیدن به این گروه انجام دادیم و خیلی اذیت شدیم. ما سراغ چهره‌های مختلف رفتیم، ماجرا این بود که از ابتدا پکیج ارائه می‌دادیم، یعنی مثلاً شبنم مقدمی را در نظر می‌گرفتیم و افرادی را که قرار است کنار او در برنامه حضور داشته باشند تصور می‌کردیم و پکیج پکیج مذاکره می‌کردیم. برای همین اگر یک نفر در آن گروه حاضر نمی‌شد، کل آن ترکیب را به ناچار کنار می‌گذاشتیم، برای همین خیلی مذاکرات سختی را پشت سر گذاشتیم و درنهایت به این مجموعه رسیدیم که شاید بهترین ترکیبی است که می‌شد انتخاب کنیم.

در مورد محسن کیایی هم ابتدا قرار نبود که او به عنوان مجری حضور داشته باشد چرا که بعد از صحبتی که داشتیم به ما خبر داد که نمی‌آید و برای اجرا سراغ محمد بحرانی رفتیم، رامبد جوان هم جزو پیشنهادهایم بود. پس از تماس با بحرانی و موافقت او فکر کردم که محسن کیایی به عنوان یکی از یاورها می‌تواند حضور داشته باشد، وقتی او آمد و برنامه را برایشان تعریف کردم محمد بحرانی گفت برای من اجرا جذابیتی ندارد و کیایی هم برعکس او از عدم جذابیت کمک‌کننده بودن گفت و در نهایت به اتفاقی که می‌بینید رسیدیم. با شبنم مقدمی هم، زمانی که ایران نبود هماهنگی لازم را انجام دادیم و امیرمهدی ژوله را هم از پکیج دیگری که سام درخشانی، سجاد افشاریان و امید حاجیلی بود، انتخاب کرده و به توافق رسیدیم. در مورد محسن شریفیان هم از آنجایی که چهره دست‌نخورده و نابی بود به او رسیدیم.

ما در کارهای قبلی شما مثل «زابیواکا» دیدیم که از بازیگران به عنوان مجری استفاده کردید، کمی هم از علاقه‌تان به انتخاب بازیگران در قامت مجری بگویید.

گاهی من می‌خواهم برنامه بسازم و باید سراغ یک مجری آموزش دیده بروم و آرام‌آرام روی او سرمایه‌گذاری کنم تا به یک مجری کارکرده برسم اما وقت‌هایی است که می‌خواهم بیزینس کنم. شوخی که نداریم این کاری که الان انجام داده‌ایم بیزینس است و مجبوریم به مارکت و بازار، توجه ویژه داشته باشیم به همین دلیل باید چهره‌ای را انتخاب کنیم که مشتری با دیدن آن به خریدن و تماشای برنامه مشتاق شود. در اینجا لازم است سراغ چهره‌ها برویم. در این بخش هم از طرفی باید ترکیبی را انتخاب کرد که خیلی خرج و دیده نشده باشد و هم موارد ابتدایی مثل جامعه مخاطب، مهارت حرف زدن و هوش حضور در چنین فضایی را دارا باشد. محسن کیایی هم بسیار خوش‌انرژی است، اطلاعات عمومی خوبی دارد، خیلی هم باهوش است و بازیگر خوش جایگاهی محسوب می‌شود. ما هم چند قسمت با او کار کردیم و از پس آن به خوبی برآمد تا جایی که همان‌طور که گفتم از مجری امریکایی این برنامه خیلی بهتر بود.

یعنی از اجرای محسن کیایی راضی هستید؟

اگر بخواهیم دقیق‌تر صحبت کنیم، بین اجرا و میزبانی تفاوت‌هایی وجود دارد. محسن کیایی برای میزبانی یک جشن و شب‌نشینی بسیار شیرین، گرم و مخاطب‌پسند است و من هم او را در این جایگاه خیلی دوست دارم.

تا الان چه بازخوردهایی از بینندگان «صداتو» گرفته اید؟

من از ابتدا فکر می‌کردم که صداتو با اقبال عمومی مواجه شود چرا که خیلی برای آن زحمت کشیدیم و ماه‌ها به تمام جزئیات فکر کرده بودیم، به همین دلیل انتظار استقبال را داشتم اما واقعیت این است که انتظار این حد از پسند مخاطب را نداشتم. این جریان ادامه دارد و آمارهایی که فیلیمو به من می‌دهد هم تأیید می‌کند که هفته به هفته این برنامه بیشتر دیده می‌شود. همچنین بر اساس تجربه و جامعه‌شناسی رسانه‌ای وقتی بین مردم راه می‌رویم متوجه می‌شویم که از هر مثلاً ۱۰ نفر چند نفرشان مشغول صحبت درباره این برنامه هستند، اتفاقی که نشان‌دهنده خوش مخاطب بودن صداتو است.

برویم سراغ امکان تعاملی فیلیمو که برای اولین بار در صداتو اجرا شد. این امکان چه آورده‌ای برای یک برنامه به لحاظ درگیر کردن مخاطب داشت؟

این قابلیت تعاملی، کمی روایت قصه را جابه‌جا کرد. قبل از این ما یک قصه را به مخاطب عرضه می‌کردیم که آن را تماشا کند اما با این امکان تعاملی، مخاطب را درگیر قصه کردیم. این امکان فنی، آمار مخاطبان برنامه را افزایش داده است. من به تازگی متوجه شده‌ام که برخی از مخاطبان بعد از پخش برنامه، یک میزبان پیدا می‌کنند که به صورت خانوادگی و دورهم هر قسمت را تماشا کنند و در مسابقه شرکت کنند. این اتفاق برای برنامه ساز یک برد محسوب می‌شود که همه اعضای خانواده را دور هم جمع کند.

شرکت کنندگان از چه طریقی در برنامه حاضر شدند؟

در فصل اول چون نمی‌توانستیم فراخوان دهیم از محیط اطرافمان انتخاب کردیم. از حدود ۳۰ نفر تست گرفتیم افرادی که توانایی بازی کردن تفکرشان را داشته باشند و شاداب و خوش انرژی باشند و در عین حال قصه خوبی داشته باشند.

نگران تکراری شدن فرایند برنامه نبودید؟ اینکه بعد از چند قسمت روال برنامه واضح و مشخص باشد و به تکرار نیفتد؟ یا تاکنون چه انتقاداتی به برنامه وارد شده است؟

به نظر من این برنامه، مثل یک مسابقه فوتبال است. لحظات متفاوت و جدا از هم دارد. چالش‌های شبیه اما متفاوت از هم دارد و هر لحظه ممکن است اتفاق جدیدی بیفتد. ما نقد داشته‌ایم اما به گفته بسیاری از متخصصان این حوزه، این نقدها قابل اغماض‌اند. زیرا کلیت برنامه به خوبی مخاطب را درگیر کرده است. ما یک شعار داریم اینکه به چشم و وقت مخاطب احترام بگذاریم و در ساخت صداتو تمام تلاش‌مان را در این راستا به کار بردیم.

خبر

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

جریان نخبگی به روابط با روسیه از دریچه منافع ملی نگاه کند

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه واقعیت‌های تاریخی برای درس گرفتن امروز ما و نه برای از دست دادن فرصت‌هاست، گفت: من از محافل فکری، رسانه‌ای و نخبگی و روشنفکری در جمهوری اسلامی می‌خواهم که به روابط با روسیه از دریچه منافع ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نگاه و به دولت در این راستا کمک کنند.

محمد مهدی اسماعیلی که با هدف توسعه مناسبات دوجانبه و شرکت در آیین‌های هفته فرهنگی ایران در روسیه به شهرهای مسکو و سن‌پترزبورگ سفر کرده بود، در گفت‌وگو با ایرنا در پایان این سفر پنج روزه افزود: «ما باید در افکار عمومی و رسانه‌ها به خوبی وضعیت کنونی را توصیف کنیم چرا که برخی تعلقات شخصی و یا نگاه به واقعیت‌های تاریخی، قضاوت درستی را درباره واقعیت‌های امروز ارائه نمی‌کند.»

او با اشاره به فراز و فرودها در مناسبات ایران و روسیه در طول سده‌های گذشته گفت: ما به واقعیت‌های تاریخی اهمیت می‌دهیم اما این واقعیت‌ها برای درس گرفتن امروز ما است و نه برای از دست دادن فرصت‌ها.

تحقیر در قبال غرب و بدبینی به شرق، اشتباه است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه گفت: متأسفانه یک جریان تحقیر در قبال غرب و یک جریان بدبینی نسبت به شرق در میان برخی نخبگان در حوزه‌های رسانه‌ای و روشنفکری وجود دارد که تلقی اشتباهی است. او اظهار داشت: ما نباید نه دچار افراط در خوش بینی نسبت به غرب شویم و نه بدبینی به شرق؛ این را هم می‌پذیریم که کشورهای مختلف، منافع ملی خود برایشان در اولویت است.

فضای فکری و فرهنگی در روسیه برای تعامل با ایران مهیاست

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه گفت: امروز فضای فکری و فرهنگی در روسیه برای تعامل هرچه بیشتر با ایران مهیاست و این موضوع کمتر مورد توجه برخی رسانه‌ها قرار می‌گیرد و کمتر در کشور به آن پرداخته می‌شود.

اسماعیلی با اشاره به حضور خود در نشست هیأت علمی دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه در مسکو که با اعطای دکترای افتخاری به وی همراه بود، افزود: در سخنانی در این جلسه به این موضوع پرداختم که امام راحل، ژانویه ۱۹۸۹ (زمستان ۱۳۶۷) در نامه‌ای به گورباچف آخرین زمامدار اتحاد جماهیر شوروی سابق نوشتند و فرمودند که صدای شکسته شدن استخوان‌های کمونیسم به گوش فرزندان آن هم رسیده است و کمونیسم باید به موزه تاریخ سپرده شود.

او با بیان اینکه پیام امام خمینی به گورباچف، یادآور این نکته به روس‌ها بود که از دامان کمونیسم به دامان لیبرالیسم و غرب نیفتند که درستی سخن امام بعد از دهه‌ها به اثبات رسید و گویای آن بود که این حکیم فرزانه آنچه را که دیگر بزرگان ندیده بودند، دیده بودند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: امروز با روسیه‌ای مواجه هستیم که با صراحت از رویکرد خود بعد از دوران کمونیسم به غرب و لیبرالیسم به عنوان تجربه‌ای نامطلوب یاد می‌کند.

وی یادآور شد: در سال‌های فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری روسیه، رویکرد فکری این کشور نسبت به غرب به گونه‌ای بود که مقابل نمایندگی‌های برندهای امریکایی همچون مک‌دونالد صف‌های بسیار طولانی تشکیل می‌شد.

اسماعیلی ادامه داد: امروز با روسیه‌ای مواجه هستیم که رسماً به ما اعلام می‌کنند از تجربه نامطلوب گرایش به غرب سخن می‌گوید، وضعیتی که تیزبینی امام راحل را در زمینه به بن‌بست رسیدن لیبرالیسم بازگو می‌کند.

سفر به روسیه و هفته فرهنگی ایران

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش دیگری از این گفت‌وگو با بیان اینکه میزبانی طرف روسی از هفته فرهنگی ایران، بسیار مطلوب بود و برنامه‌های مناسبی پیش‌بینی شد، گفت: ایران نیز با گروه بسیار خوبی از اهالی فرهنگ و هنر و در ۲۰ رشته هنری در این رویداد شرکت کرد.

اسماعیلی با اشاره به برگزاری کنسرت‌های مشترک ارکستر ملی ایران و ارکستر ملی جوانان روسیه و اجرای موسیقی اصیل ایرانی در شهرهای مسکو و سن‌پترزبورگ افزود: در شب اجرای این برنامه‌ها، تمام سالن را جمعیت علاقه‌مندان به موسیقی پر کرده بود.